



تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۴
تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۶/۳۱
تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۲
تاریخ انتشار: ۹۸/۰۹/۰۱

فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی سال سیزدهم / شماره ۳ / پاییز ۱۳۹۸

نگرش فقهی و حقوقی بر چالش مفهوم جبران مالی ضرر معنوی در محاکم قضایی

۱- فاطمه السادات حسینی^۱ ۲- محمود قیوم زاده^۲ ۳- محمد رضا رهبر پور^۳

چکیده

اسلام همچون هر مکتب ایدئولوژیک بر پایه‌ی فلسفه‌ای قرار دارد که کل بنای آن، از وجود و نگرش عام آن به انسان؛ جامعه و جهان ماوراء، بیانگر منظومه‌ی فکری معین پیروان مکتب به آن را مشخص می‌کند. از طرفی حقوق نیز به مقتضای فلسفه‌ی وجودی خود به عنصر زیان در روابط انسان‌ها؛ از آن جهت که خاستگاه تزییع حقوق افراد و جامعه است نگاهی ویژه دارد. لذا در بادی النظر، سخن در عالم قانونگذاری و تشریح است که در صورت وقوع ضرر اگر شارع حکمی را جعل نکرد نمیتوان گفت آن عنوان از حوزه‌ی نظام حقوقی خارج است چراکه عدم ضمان، در جبران ضرر معنوی موجب تضرر زیان دیده بوده و قاعده‌ی لاضرر عدم ضمان را نفی میکند. مع الوصف، ارتکاز عقلایی اینست که فاعل زیان مسئول پرداخت خسارت به‌طور اعم خواهد بود. در این مقال تلاش خواهد شد تا با رویکرد به قاعده‌ی لاضرر در چگونگی کاربرد عملی آن در مواجهه واقعه حقوقی در رفع معضلات جامعه بالأخص اصدار حکم محاکم قضایی در تقریر و تقویم خسارت معنوی و خروج از انسداد فکری و عملی در باز خوانی آموزه‌های شریعت در عرصه تقویت، عمل و اجرا و سپس حاکمیت آن در رویه قضایی بهره جست.

کلمات کلیدی: خسارت، انواع خسارت، قاعده لاضرر، مسئولیت مدنی، نظرات فقها، منفعت اجتماعی

۱: دانشجوی دکترای تخصصی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران - keyvan_heidarnej_f.hosseini693@gmail.com

۲: استاد گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ایران - maarefteacher@yahoo.com

۳: استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران - r.rahbar@yahoo.com

۱- مقدمه

ساختار نظام اسلامی اقتضا می‌کند که بسیاری از آموزه‌های فقهی از حالت انتزاعی صرف خارج و به صحنه اجتماع به صبغه‌ی عملی و کاربردی راه یابد. در غیر این صورت این حقوق جدا افتاده از تحولات جامعه چگونه می‌تواند رسیدگی عادلانه به حقوق زیان‌دیده و احقاق حق در روابط حقوقی، کنترل اجتماعی و استقرار نظم و اجرای عدالت را تنظیم و تأمین کند. از طرفی انکار جرم انگاری می‌تواند بیانگر مسئولیت‌ناپذیری عقلی و فکری باشد که سرشت انسانی آن را نمی‌پذیرد. چراکه؛ یکی از اصول اساسی جرم انگاری، مبانی نظری قانون‌گذار بر اعلام فعل یا ترک فعلی برای ضمانت اجرای کیفری واضعان می‌باشد. با این احتساب آیا خود قانون می‌تواند مبنا محسوب شود و بزهکار را مسئول دانست؟ با تامل باید گفت مراد از مبنا، پرسش از چرایی یک قاعده و اصل و حکم است به گونه‌ای که رفع ابهام می‌کند و بیش از آن دیگر علتی وجود ندارد. لذا، شکی نیست که احکام شرعی بر پایه‌ی یک سری مبانی که همان مصالح باشند استوارند. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸)؛ و اما در منابع فقهی، در مواردی که بحث از رعایت مصلحت توسط قاضی یا حاکم اسلامی می‌شود، منظور مصالح عمومی است. (دهقان چاچکامی، ۱۳۹۰)؛ که نمونه‌ی بارز در این مقال در رابطه با اضرار قبیله‌ی که مکلف به پرداخت زکات بودند توسط مأمورین پیامبر (ص) از جمله «خالد بن ولید» با لشکری به سوی قبیله «جدیمه» فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند؛ اما به وی اذن جنگ نداد. خالد به آنان پیشنهاد «امان» داد. آنان پذیرفتند و دست از اسلحه برداشتند؛ اما خالد آنان را قتل‌عام کرد. آن حضرت پس از اعلام براءت از عملکرد ناروای خالد، امیرالمؤمنین (ع) را برای رسیدگی و داوری اعزام فرمودند؛ و حضرت در بازگشت فرمودند: «اعطیتهم لکل دم دیه و لکل جرح دیه و اعطیتهم لروعه نسائهم و فزع اطفالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳؛ صدوق، ۱۳۸۵؛ نوری، ۱۴۰۸)؛ که مؤید پرداخت مال در اذای ترس و وحشت زنان و گریه‌ی کودکان که خسارت معنوی در عرض دیه نیز تلقی می‌شود بوده؛ مع‌الوصف، با تأکید به مبانی عام مسئولیت و تأمل در منابع دینی در مورد مسئولیت جبران تمام ضرر و زیان‌های معنوی و مادی و هم از جهت قوانین موضوعه ایران به لحاظ اقتضائات زمان و مکان جبران مالی آن توجیه‌پذیر بوده و با تمسک به این روایات، و افتای برخی فقهای معاصر جهت امعان نظر در جهت اعاده‌ی جبران خسارت معنوی، قابل فحوص و تأمل است. لذا، این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که بر مبنای قواعد لاضرر و قوانین موضوعه و مسئولیت مدنی جبران مالی ضرر معنوی به‌طور اعم از منظر فقهای معاصر با توجه به رویکرد جدید قانون‌گذار در مطالبه‌ی ضرر معنوی می‌تواند قاعده‌ی الزام‌آوری را جهت صدور حکم در محاکم به جهت دعاوی بنحواسته خسارت معنوی پیش‌بینی و طرح و اجرا نمود؟ بالاخره آیا تمسک به اطلاق ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری با توجه به قاعده‌ی لاضرر درست است یا خیر؟

۲- واژه‌شناسی

۲-۱- خسارت

واژه «خسارت» در فرهنگ لغت به معنی ضرر کردن، زیان، ضرر، زیان دیدن، زیان‌کاری و زیانمندی، ذکر شده است. (معین، ۱۳۷۵). واژه خسارت گاه به معنای ضرر و گاه به معنای مقدار جبران شده ضرر و زیان است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). ضرر یا زیان، (کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، ۱۳۷۸). نخستین رکن تحقق مسئولیت مدنی است. چراکه، لزوم جبران ضررهای وارده شده به یک شخص را مسئولیت مدنی گویند. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸) لذا، مهم‌ترین متن قانونی در حقوق موضوعه ایران که دربردارنده‌ی قاعده پیش‌بینی زیان است، قانون مجازات اسلامی است که مواد متعددی از آن متضمن قاعده یادشده در عرصه‌ی مسئولیت قهری است. (غمامی، ۱۳۸۰). امروزه در قلمرو حقوق هر وقت اصطلاح مسئولیت به کار می‌رود. منظور «تکلیف واردکننده‌ی زیان در مقابل دادگاه و بر عهده گرفتن آثار مدنی، کیفری، انتظامی و... اعم از این‌که، چنین تکلیفی در مقابل زیان‌دیده باشد یا جامعه...». مسئولیت به این معنی هر دو «مسئولیت کیفری» و «مسئولیت مدنی» را در برمی‌گیرد. (بادینی، ۱۳۹۲).

۲-۲- اصطلاح حقوقی خسارت

خسارت، گزندی است که به منافع مالی یا غیرمالی زیان‌دیده رسیده است. (ژوردن، پاتریس، ۱۳۹۱)؛ ضرر دارای مفهوم عرفی است که هرگونه صدمه مادی یا معنوی وارد به شخص را در برمی‌گیرد. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰). ضرر معنوی ضرری است که متوجه مال زیان‌دیده نمی‌شود ولی به نفع غیرمالی او آسیب می‌رساند. (السنهوری، ۱۳۹۰). لذا، ایشان خسارت معنوی را به ضرر ادبی یاد می‌کند وارد شدن ضرر به شرف و اعتبار و عرض و نیز به عاطفه و دل رحمی و شعور است تعبیر می‌نمایند. (ژدی، و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱-۲۵)؛ به هر حال حقوق‌دانان می‌گویند: هرگاه نقض یا عیبی بر اموال وارد شود یا اموال یا منفعت قطعی الحصول از بین برود یا به سلامت یا آبرو و حیثیت کسی خسارتی وارد شود، ضرر به بار آمده است. ضرری که به اشخاص وارد می‌شود ممکن است، ضرر بر اموال و دارایی شخص باشد، اعم از این‌که این ضرر عین باشد یا منفعت یا حق و یا از دست دادن منفعت مسلم. (داراب پور، ۱۳۹۰).

۲-۳- انواع خسارت

خسارت یا مادی و یا معنوی. خسارتی را که به جان یا دارایی شخص وارد می‌شود خسارت مادی و زیانی را که به شخصیت، عواطف یا حیثیت تجاری او وارد می‌شود و اعتبار او را خدشه‌دار می‌سازد، خسارت معنوی می‌نامند. خسارت مادی ممکن است به صورتی از بین رفتن عین مال (مثل سوختن کالا) یا کاهش ارزش مال (مثل تأسیس کارخانه‌ای که از ارزش خانه‌های مجاور بکاهد) یا از میان رفتن منفعت مال (در غضب) و یا صدمه به حق مشروع شخص باشد. (وحدتی شبیری، ۱۳۸۷).

۳- مسئولیت مدنی

عبارت «مسئولیت»^۱ کلمه‌ای عربی است و معادل فارسی آن «پاسخ گویی» است که معنای آن، از لحاظ لغوی تا حدودی واضح و روشن است و ابهامی ندارد. به عبارت دیگر مسئولیت مدنی به ضمانت اجرای نقض قانون و تعهد است که بر عهده‌ی فاعل زیان قرار می‌گیرد. مبنای این تعهد «لزوم جبران ضرر ناروا» است و به همین اعتبار است که مسئولیت بر آن نهاده‌اند. (غمامی، ۱۳۸۸، ص ۱۲)، در حقوق فرانسه مسئولیت مدنی اصطلاحی است که علاوه بر این قسم از الزامات، مسئولیت قراردادی را هم در بر می‌گیرند. در کامن لا مسئولیت مدنی زیر عنوان «حقوق خطاها یا جرایم مدنی»^۲ مطالعه می‌شود. در این نظام حقوقی مسئولیت قراردادی با عنوان «نقض قرارداد»^۳ به طور جداگانه و در مجموعه حقوق قراردادها مورد گفتگو و کاوش قرار می‌گیرد. در حقوق ایران، قانون مدنی مسئولیت قراردادی را در ذیل به اثر معاملات با عنوان «در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات» آورده است و مسئولیت مدنی را با نام «الزاماتی که بدون قرار داد حاصل می‌شود» به صورت بابی مستقل گشوده و با عنوان «ضمان قهری» به مسائل اختصاصی پرداخته است. (همان، ص ۱۲). شیخ انصاری در تعریف ضمان در کتاب خود آورده است. ضمان امری است که برعهده ضامن بوده و خسارت ناشی از تعهد و یا منشاء تعهد باشد. (انصاری، ۱۳۶۸).

۴- مفهوم لغوی دیه

«دیه» در لغت به معنای مالی که بدل نفس آمده است. دیه به «حق القتیل» و مالی که بدل جان مقتول است». دیه در اصل مصدر فعل (وَدَى یَدِی) است که معنای دادن مالی بدل نفس است می‌باشد، و بعدها بر خود آن مال، دیه اطلاق شده است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۴۰). کلمه (دیه) یا (خونبها) عبارت است از مقدار مالی که واجب است در برابر جنایت پرداخت گردد، خواه مقدار آن معلوم باشد، یا نباشد. گاهی جرایمی را که مقدارش معین نیست، (ارش) و (حکومت) (تفاوت میان صحیح و معیوب) و جرایمی را که مقدارش معین است، (دیه) می‌نامند. (خمینی، بی تا).

۴-۱- اصطلاح دیه در فقه

در فقه اسلامی دیه عبارت است از مالی که به عنوان بدل نفس یا اطراف در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات) به قربانی یا اولیای دم پرداخت می‌شود و بدین ترتیب در کنار قصاص یکی از شیوه‌های مقابله با جنایات و جبران آن‌ها می‌باشد. (کارخیزان، ۱۳۹۲).^۴ زیرا قصاص و دیه هر دو به جنایات مربوط می‌-

^۱. Liabaity.

^۲. The law of torts.

^۳. Brech of contract.

^۴. رای اصراری (شماره: ۶- ۵/ ۴/ ۱۳۷۵): که عنوان می‌دارد: ... مستفاد از ماده ۱، ۲، ۳ قانون مسئولیت مدنی با التفات به قاعده‌ی کلی لاضرر و همچنین قاعده اتلاف و تسبیب، لزوم جبران این گونه خسارات بلاشکال است و از احکام مربوط به دیات نیز جبران سایر خسارات وارده به معنی علیه استنباط نمی‌شود. بنابراین، جبران خسارت و ضرر و زیان متداول عرفی، منع قانونی ندارد در نتیجه مصدوم علاوه بر دیه، ضرر و زیان خود را مطالبه و وصول می‌کند.

شوند. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲) تنها در یک آیه از قرآن کریم (آیه ۹۲ سوره نساء) عنوان دیه ذکر شده است. و این بیان قرآنی مجمل بوده و از نظر نوع و میزان و کیفیات جزئیات آن را باید در سنت استفاده نمود. (الهام و برهانی، ۱۳۹۲). و به نظر یکی از فقهای معاصر این مقادیر احتمالا، حکم موقت بوده و می تواند مقدار دیه را به صورت دیگر نیز تعیین کرد. (سبحانی، جعفر، ۱۳۹۷)؛ نظریه فقهی امام خمینی (ره) در مورد دیه: دیات جمع دیه - با تخفیف یا - می باشد که به جنایت بر حر در نفس یا پایین تر از آن، واجب می باشد، یا نه. و چه بسا غیر مقدر، با ارش و حکومت و مقدر به دیه نامیده شود و نظر در آن در اقسام قتل و مقادیرهای دیات و موجبات ضمان و جنایت بر اعضا و ملحقات است. (خمینی، بی تا).

۴-۲- رویکرد فقهی - حقوقی به آرای اندیشمندان در ماهیت دیه

در روایت است که خداوند پنج سنت را که عبدالمطلب در زمان جاهلیت وضع کرده بود، برای اسلام باقی گذاشت. یکی از آنها تعیین صد شتر برای خون بهای یک انسان بود که در اسلام باقی ماند. (وحدتی شبیری، ۱۳۹۰). در مورد ماهیت دیه، که آیا مجازات، غرامت یا خسارت محسوب می شود؛ به نظر یکی از اندیشمندان، دیه نه کیفر و جزای نقدی است نه ضمان مالی بلکه خود یک تاسیس مستقل حقوقی است که دارای ماهیتی مختلط است. علی رغم این نگاه نباید انکار نمود که دیه به جبران خسارت نزدیکتر است و محذورات کمتری از جبران خسارت دانستن آن ایجاد خواهد شد. (برهانی، ۱۳۹۲). کما این که قانون گذار در ماده ۴۵۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: دیه، حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا دم بوده و دارای احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان است. ذمه‌ی مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاتر بری نمی گردد. لذا، اگر این پذیرفته شود که دیه مبلغ مقطوع خسارت است، بسیاری از اشکالهای عملی از بین می رود. آنچه که با تکیه بر اصل قابلیت جبران کلیه خسارات می شود عمومیت و فراگیری نسبت به هر زیادتی است که بر فردی وارد می شود بدین معنا که برای جبران پذیری یک خسارت نیاز به تصریح قانونگذار نیست و در فقه نیز نیاز به دلیل خاص شرعی ندارد، لذا، با فرض تحقق مبنای مسئولیت مدنی هر نوع ضرر ناشی از آن را قابل جبران می داند. (خلیلی، ۱۳۹۷). ولی عیب بزرگ آن جبران نشدن تمام ضرر است که نه انصاف می پذیرد و نه قاعده ی لا ضرر تاب تحمل آن را دارد. ولی، دست کم این فایده را دارد که موانع اثبات ورود و ارزیابی خسارت را در بخشی که پیش بینی شده است از بین می برد از نظر تحلیلی خسارت ناشی از صدمه های بدنی را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

۱) هزینه های درمان و توابع آن؛

۲) از کار افتادگی و عدم اهلیت؛

۳) آنچه نزدیکان مجروح (مانند و فرزندان و پدر و مادر نیازمند) از آن محروم شده اند؛

۴) خسارات معنوی مجروح و نزدیکان او (مواد ۵ و ۶ ق.م.ا). (کاتوزیان، ۱۳۷۰).

هدف نخست قانون گذار از وضع دیه چیزی جز حمایت از مصدوم و آسیب دیده نیست. و این چیزی که در عرف از آن تعبیر به جبران خسارت می شود. قانون گذار عوض خسارت را بر صدمه زننده لازم کرده است. بنابراین، سایر موارد، از قبیل، عبرت صدمه زننده و دیگران از آثار تبعی و ضمنی است.

بنابراین، دیه یک نهاد حقوقی ویژه است که در بعضی از مصادیق، مثل جنایات شبه عمد، واجد هر دو خصیصه‌ی خسارت و جریمه است و در برخی مصادیق، فقط جنبه‌ی جبران خسارت دارد.^۱ (وحدتی شبیری، ۱۳۹۰)، دلیل دیگر که ظهور در خسارت بودن دیه دارد، روایات باب دیه است که در بسیاری از آن تعبیر به ضمان شده است. به عنوان نمونه در صحیح‌ه حلبی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: هر کس که دیگری را بر روی دیواری است، بترساند و یا موجب رمیدن مرکب او گردد و در نتیجه او بیفتد و بمیرد، ضامن دیه او است و اگر عضوی از اعضاء بدنش شکسته شود، ضامن دیه عضو شکسته شده می‌باشد. با عنایت به ظهور این روایت و سایر روایات، که آن‌ها از عبارت «ضمان» استفاده شده است، می‌توان استظهار نمود که دیه در حقوق و فقه اسلامی نوعی عوض و خسارت وارده بر نفس یا عضو است. (باریکلو، ۱۳۸۹) دیه برای جبران خسارت معنوی ناشی از قتل غیر عمد (یا قتل عمدی که با گذشت اولیاء دم از قصاص، رضایت به دریافت دیه داده باشند یا امکان اجرای قصاص نباشد) یا سایر صدمه‌های جسمانی پیش‌بینی شده، قبل از آنکه جنبه تأدیبی و عبرت‌آموزی آن مطرح باشد، جلب رضایت و خوشنودی زیان‌دیده و به نوعی جبران خسارت با توجه به ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مورد نظر است. قتل و ضرب و جرح و قطع عضو و تغییر شکل آن، خسارت‌های معنوی هستند که بر اولیاء مقتول یا مصدوم و مجروح وارد می‌شود. اما خسارت‌های مالی که در خیلی موارد در نتیجه‌ی خسارت معنوی یا به همراه آن بوجود می‌آید امری جداگانه است و داخل در دیه نیست بلکه این قبیل خسارات مانند خسارت از کار افتادگی، هزینه بیمارستان و دارو و پزشک و پرستاری و هزینه‌های اضافی، مشمول قاعده‌ی لاضرر و طبق مقررات مربوط به مسئولیت مدنی باید جبران شود. (کارخیزان، ۱۳۹۲).^۲ و با توجه به اینکه گاهی هزینه‌های درمان و خسارت‌های ناشی از نقص عضو و یا جراحات وارده بیشتر از مقدار دیه است، آیا جانی باید کلیه خسارت‌های زاید بر دیه را که مجنی علیه به خاطر جنایت متحمل شده پردازد؟ فقیهان متقدم امامیه به وضوح و روشنی در زمینه مطالبه خسارت‌های مادی و معنوی زاید بر دیه بحث نکرده‌اند. ولی از مجموعه آرا و فتاوی فقیهان معاصر در زمینه خسارت‌های مادی زاید می‌توان سه نظریه را بدست آورد: عده‌ای اخذ هرگونه خسارت غیر از آنچه که به عنوان دیه مقرر شده است را غیر مشروع می‌دانند. و برخی دیگر در مقابل، خسارت زاید بر دیه مقرر را با استناد به دلایل شرعی مورد پذیرش قرار داده‌اند. (نقیبی، ۱۳۸۸؛ آشوری، ۱۳۷۴) و بعضی دیگر به لزوم پرداخت مخارج معالجه، خسارت از کار افتادگی و سایر ضرر مالی ناشی از جنایت، به صورت مستقل و جدای از دیه فتوی داده‌اند. (نوری همدانی، ۱۳۷۱)

^۱ . در استفتایی که از فقهای معاصر در ارتباط با دیه شده، غالباً نظر داده‌اند که جعل دیه هر دو عنوان را داراست یعنی هم مجازات و هم خسارت است و مرحوم آیت الله بهجت چنین نظر داده‌اند: «دیه عنوان مستقلی است که به مناسبت مورد ممکن است به یکی از آن دو اشیاء باشد».

^۲ نظریه شماره: ۷/ ۶۹۲۹- ۳/ ۱۲/ ۱۳۷۲ اداره حقوقی دادگستری: دریافت حقوق از کار افتادگی مغایرتی با مطالبه دیه ندارد و مانع الجمع نیستند. نظریه شماره: ۷/ ۷۲۹۳- ۴/ ۱۱/ ۱۳۷۳. ح. ق: اصل کلی بر این است که دیه مجازات عمل ارتكابی مرتکب بزه می‌باشد، مگر در موارد استثناء بر آن (من جمله ماده ۳۰۶ ق.م.ا).

نظریه شماره: ۷/ ۴۲۳۳- ۲۰/ ۱۲/ ۱۳۷۵. ح. ق: دیه بدل از عضو فائت و نقض ناقض بوده و با ضرر و زیان از جرم تفاوت دارد و لذا منافاتی با ماده) ۶۶ قانون تأمین اجتماعی ندارد. (ر.ک: کارخیزان، محمدحسین، همان، ج. ۳، ص. ۹۹).

۴-۳- رویکرد فقه اسلامی در شمول یا عدم شمول نسبت به منافع

در نزد علمای اهل سنت «تفویت منفعت» نقش اساسی در تحقق دیه دارد، زیرا یا علت دیه کامل است و یا جزء العلة. حال این که منفعت چیست و در چه اعضایی منفعت وجود دارد تا تفویت آن باعث دیه کامل شود، امری اختلافی است. مثلاً مرغینانی از فقهای حنفیه در کتاب «الهدایه شرح بدایه المبتدی» می نویسد: «در جنایت بر بینی دیه کامل است، زیرا زیبایی به طور کامل از بین می رود... و نیز زبان دیه کامل دارد، زیرا منفعت مقصود از آن که همان «نطق» باشد از بین می رود»؛ (مرغینانی، ۱۴۱۹)، در ماده ی ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی «قطع کردن و یا از بین بردن تمام بینی یا نرمه ای که پایین استخوان بینی است دیه ی کامل دارد. مثلاً مالک در مورد جنایت بر ابروها قایل به دیه کامل نیست، زیرا به قول ابن رشد برای آن ها منفعتی نیست؛ (ابن رشد، ۱۴۱۰، ۳۹، ص ۵۴۱) ابن قدامه حنبلی نیز برای مژه ها منفعت متصور دانسته و به دیه کامل عقیده دارد؛ (ابن قدامه، ۴۰، ص ۱۱۳۴). هم چنین مالک برای از بین بردن مژه ها قایل به دیه کامل نیست بلکه ظاهراً از آن جهت که مژه ها همانند ابروها منفعت ندارد قایل به حکومت می باشد. (مالک، ۱۴۱۹) همان طور که شافعی ها نیز به حکومت عقیده دارند، زیرا از بین بردن آنها اتلاف زیبایی بدون اتلاف منفعت است؛ (شیرازی، ۴۰، ص ۴۰)؛ در فقه امامیه در این زمینه دو عقیده دیده می شود؛ برخی از قداما و معاصرین که از آن ها به «موافقین» تعبیر می کنیم این قاعده را شامل منفعت دانسته و از بین بردن آن ها را موجب دیه کامل می دانند. در مقابل، عده ای دیگر این قاعده را شامل منافع ندانسته اند بلکه از بین بردن «منافع» را موجب «ارش» می دانند، مگر این که برای از بین بردن منفعت، دلیل خاصی وجود داشته باشد. از موافقین می توان شهید اول را نام برد که در کتاب قواعد می نویسد: «آنچه در بدن انسان فرد است چه عین باشد یا منفعت دیه کامل دارد»؛ (مکی، بی تا) مرحوم سبزواری از فقهای معاصر، به صراحت این قاعده را شامل منافع می داند. (سبزواری، ۱۴۱۷) مخالفین، این قاعده را، شامل «منافع» ندانسته و معتقدند متبادر از حدیث «کل ما فی الانسان اثنان فیهما الدیه» تنها اعضا می باشد. مثلاً صاحب جواهر ذیل کلام محقق حلی درباره از بین بردن قوه ذائقه، می نویسد: «اما اشکال می شود که از خبر عام، عضو فرد متبادر است نه منفعت و اصل برائت است پس در این صورت حکومت صحیح است»؛ (نجفی، ۱۴۰۴). مرحوم آیت الله خوئی نیز پس از پذیرش حرف صاحب جواهر می نویسد: «متبادر از این حدیث یقیناً عضو است، پس شامل مثل منفعت نمی شود»؛ (خوئی، ۱۳۹۶). در میان معاصرین هم چنین می توان به مرحوم آیت الله خوانساری، مرحوم امام خمینی و آیت الله فاضل لنکرانی نیز اشاره کرد. (خوانساری، ۱۳۹۴؛ موسوی خمینی، بی تا؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۶).

۵- جایگاه خسارت معنوی و ماهیت آن به اعتبار منشأ شکل گیری در حقوق

خسارت معنوی به اعتبار منشأ شکل گیری یا متعلق آن تنها یک بحث نظری نیست گرچه در مطالبه ی خسارت معنوی، در خصوص سنجش میزان خسارت و تقویم آن به پول، مشکلات عملی را عنوان

کرده‌اند، اما در مجموع، جبران مالی این خسارت را صحیح دانسته‌اند، لذا، وظیفه‌ی اصلی حقوق، ایجاد نظم و عدالت در جامعه و برقراری توازن و تعادل در روابط بین اشخاص است در جبران خسارات افراد از طرف کسانی که خسارت را ایجاد کرده‌اند از مظاهر و ظایف مذکور است. (ره‌پیک، ۱۳۸۸)؛ چرا که، ضررهای ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت تنها جنبه‌ی معنوی ندارد؛ بلکه ممکن است آثار مالی هم در برداشته باشد؛ از جمله کسر اعتبار اشخاص (حقیقی یا حقوقی) که بستگی به برخی از جنبه‌های حقوق مربوط به شخصیت فرد دارد. (بادینی، ۱۳۹۱: ۹۱). بعد از انقلاب مشروطیت، قانون‌گذار در قانون اساسی در اصل نهم متمم آن مصوب ۱۴ آبان ۱۳۱۷ حقوق غیرمادی را به رسمیت شناخته است. برای نخستین بار در ماده ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی، اشاره به ترمیم خسارت معنوی شده است. به موجب ماده مذکور: «هرکس مرتکب یکی از جرم‌های مذکور در مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۸ مکرر و ۲۰۹ گردد علاوه بر مجازات مقرر، به تأدیه خسارت معنوی مجنی علیه که در حال کمتر از پانصد ریال نخواهد بود محکوم می‌شود...» (آخوندی، ۱۳۸۸). در سال ۱۳۳۹ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید و قابل مطالبه بودن ضرر و زیان معنوی با وضوح و روشنی کامل در آن بیان گردید. و همچنین در ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی، مقنن نوع دیگری از خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده است و آن عبارت است از جبران ضرر معنوی دختری که بر اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوءاستفاده از زیردست بودن حاضر به هم‌خوابگی نامشروع شده است. (ایران. قوه قضاییه، ۱۳۹۳). در ماده ۱۰ ق.م.م. آمده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران ضرر و زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارات مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». بعد از انقلاب اسلامی نیز در قانون اساسی در اصل ۱۷۱ و نیز در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگرچه، قانون‌گذار صرفاً در مقام بیان مجازات کیفری بوده است و نه جبران خسارات،

۱. مستنداً ماده‌ی ۹ مسئولیت مدنی: دادنامه‌ی ۹۱۰۹۹۷۲۲۱۳۰۱۴۱ مورخ ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۹۱ در خصوص دعوی خانم م.ه. با وکالت آقای ح.ر. به طرفیت آقای ی.م. به مطالبه ارش البکاره به انضمام خسارت مادی و معنوی و هزینه دادرسی و حق‌الوکاله از حیثیت صلاحیت مقوم به ۵۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال. با توجه به محتویات پرونده و مستند ابزاری از سوی خواهان و مدافعات خوانده، نظر به این‌که دلیلی مبنی بر این‌که خواهان در اثر حیله یا تهدید و یا سوءاستفاده از زیردست بودن، حاضر به هم‌خوابگی نامشروع شده باشد، ارائه نشده است با استفاده از ماده ۹ مسئولیت مدنی و استعانت از اصول کلی برائت و عدم اشتغال ذمه، حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌گردد. رأی صادر قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظرخواهی استان تهران می‌باشد. رئیس شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی حقوق تهران - تیموری؛ رأی دادگاه، تجدیدنظرخواهی خانم... با وکالت... به طرفیت... نسبت به دادنامه شماره ۶۸۳/۹۰ صادره از شعبه ۲۱۴ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن حکم به بی‌حقی خواهان بدوی به شرح دادنامه تجدیدنظرخواسته صادر گردیده است وارد نیست، زیرا دادنامه تجدیدنظرخواسته بر اساس محتویات پرونده و دلایل و مدارک ابزاری صحیحاً و مطابق قرار قانونی و خالی از هرگونه اشکال صادر شده و تجدیدنظرخواه در این مرحله از رسیدگی دلیل یا مدرک قانع‌کننده و محکم‌پسندی که نقض و بی‌اعتباری دادنامه معترض‌عنه را ایجاب نماید، ابزار ننموده و لایحه اعتراضیه متضمن جهت موجه نیست و تجدیدنظرخواهی با هیچ‌یک از شقوق ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مطابقت ندارد. لذا دادگاه ادعای تجدیدنظرخواه را وارد و محمول بر صحت تشخیص نداده و دادنامه مورد اعتراض را منطبق با مقررات و اصول دادرسی می‌داند. مستندات به ماده ۳۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی، ضمن رد درخواست تجدیدنظرخواسته را عیناً تأیید می‌نماید. رأی صادره قطعی است. رئیس شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه حجازی فر- فهیمی گیلانی.

اما شاید به طور تلویحی بتوان «اعاده‌ی حیثیت» را به عنوان جبران مناسب برای زیان معنوی تلقی کرد. (ره پیک، ۱۳۸۸: ۵۲). البته به نظر می‌رسد با توجه به تأمل قوه تقنین گذار به ضرر و زیان معنوی با تصویب قانون اخیر الذکر در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تردیدی در قابل مطالبه بودن آن باقی نمی‌ماند. و در تبصره ۲ این ماده منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. و مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود. (خالقی، ۱۳۹۲).^۱ شاید تعریف نسبتاً جامعی که بتواند زیان معنوی را تبیین و با نظام حقوقی ما تطبیق کند، با توجه به اصل ۱۷۱ «خسارت معنوی عبارت است از خسارت وارده به حیثیت یا اعتبار و شخصیت و جسم و روح و آزادی و هر حق دیگر قانونی فرد که جنبه مادی ندارد». به عنوان تمثیل، خسارت وارده بر بدن و آبروی فرد تعبیر شده است. (پروین، ۱۳۷۹: ۹۱). در حقوق انگلیس نیز میان خسارت وارد به مال، خسارت وارد به شخص و خسارت محض اقتصادی^۲ که می‌توان آن را عدم النفع به معنای خاص نامید، تفکیک کرده‌اند؛ مثلاً اگر کسی با بی احتیاطی کابل برق یک کارخانه را قطع کند، خسارت وارد به کابل ضرر وارد به مال است، لیکن خسارت ناشی از عدم تولید کارخانه و به دست نیامدن سود ناشی از فروش محصولات در مدتی که برق قطع شده است، خسارت محض اقتصادی محسوب می‌شود، یا اگر وکیل در تنظیم وصیت نامه الف دقت لازم و کافی به کار نبندد و موجب شود موصی له از موصی به محروم گردد، خسارت وارد به موصی له، خسارت محض اقتصادی نامیده می‌شود. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۰)، بنابراین، مقصود از ضرر و زیان معنوی، خسارتی است که چهره مالی و اقتصادی ندارد و به حقوق مالی و دارایی شخص صدمه نمی‌زند، ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیر مالی او است: مانند نقص بدنی، لطمه به شرافت و شهرت شخصی و خانوادگی، سلب آزادی، تجاوز به اقامتگاه، و فاش ساختن اسرار خصوصی، رنج ناشی از مرگ خویشان. تعیین مرز بین ضرر و زیان مادی و معنوی به گونه‌ای قاطع امکان ندارد، زیرا بسیاری از صدمات روحی و اخلاقی باعث زیان های مالی نیز می‌شود و در روابط مالی شخص با دیگران اثر نامطلوب دارد. (عباسی، ۱۳۸۸)؛ انگلیس، خسارت معنوی ناشی از صدمه های جسمی تحت دو عنوان «درد و رنج» و «از دست دادن توانایی و استعداد یا قابلیت سازگاری با محیط یا قدرت التذاذ از زندگی» مشخص شده است. (نقیبی، ۱۳۸۸) لذا، انگلستان اولین کشور اروپایی و دومین کشور در سطح جهان است که در سال ۱۹۶۴، اصل جبران خسارت بزه دیده به دولت را پذیرفت. جبران خسارت به وسیله دولت در این کشور در قالب « طرح جبران صدمات کیفری»^۳ صورت می‌پذیرد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸). اما، رویه قضایی ایران در پذیرش دعاوی مطالبه خسارات وارد بر

^۱. تبصره دو ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در اثر ایراد شورای نگهبان و برای تأمین نظر آن شورا تنظیم شده است. از نظر شورای نگهبان منافع ممکن الحصول اختصاص به مواردی دارد که صدق اتلاف کند، مانند کسی که از قبل برای کاری اجیر شده باشد... (بند ۵ نظریه شماره ۴۶۱۴/۳۰/۹۰ مورخ ۲۳/۱۲/۹۰).

^۲. Pure Economic Loss.

^۳. Criminal Injuries Compensation Scheme.

جبران ضرر معنوی به ویژه معادل پولی رویکرد سخت گیرانه ای دارد؛ زیرا از یک سو محاکم به دلیل دشوار بودن تقویم خسارات معنوی و نبود ضابطه و معیار مشخص جبران ضرر را سخت و دشوار می دانند، از سوی دیگر شورای نگهبان جبران خسارات معنوی را از طریق مالی مغایر با موازین شرعی اعلام نموده و همین امر سبب بروز اختلاف نظرهایی میان دادگاههاست. اما با توجه به تبصره ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری هیچ کدام از این اشکالات وارد نیست زیرا اضرار نوعی خسارت است و باید به هر طریق و تا هر اندازه که ممکن است جبران گردد که ملموس ترین راه جبران آن پرداخت مالی است. و با استناد به ماده ۳ مسئولیت مدنی که تعیین و انتخاب روش جبران با توجه به اوضاع و احوال به دادگاه سپرده شده است. و ماده ۱۰ مسئولیت مدنی که بر جبران زیان مادی و معنوی به طور همزمان و صدور حکم خسارات مالی در صورت اثبات تقصیر در کنار سایر روش های غیر مالی تاکید میکند دیگر مورد انتقاد و ایراد شورای نگهبان قرار نگرفته است دیگر تردیدی در قبول جبران مالی آن باقی نمی ماند. (کوشش کار؛ قاسمی عهد، ۱۳۹۸).

۶ - مفهوم خسارت در حقوق اسلام

در متون فقهی و اسلامی که قوانین و مقررات موضوعه ایران بر پایه ی آن هست. تعریف مستقلی در آثار فقیهان متقدم از خسارات ارائه نشده است. فقیهان به هنگام بحث از قاعده ی لاضرر بخشی را به مفهوم «ضرر» اختصاص داده اند. (وحدتی شبیری، ۱۳۸۷). اما با تتبع در مورد موضوع بحث ما، یعنی خسارات و قابلیت جبران، قواعد مختلفی در فقه غنی اسلامی وجود دارد، تا موجبات عسر و حرج مردم در زمان بروز خسارات به وجود نیاید؛ و حقوق حتی کفار و غیرمسلمان تضييع نشود. (مهمان نواز، ۱۳۹۰، ۳۴-۳۵) که مؤید تاریخی آن قتل عام قبیله ی «جذیمه» به دست خالد بن ولید و برائت جستن نبی اکرم (ص) از عملکرد ناروای او و فرمان دادن حضرت به امام علی (ع) در رضایت و جبران زیان های وارده هست. (سلیمی، ۱۳۹۰، ۲۱۱). لذا؛ میرزای نائینی می نویسد: «ضرر عبارت است از فوت آنچه انسان آن را دارا است، اعم از اینکه نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح؛ بنابراین چنانچه مال کسی یا عضوی از اعضای او به جهت اتلاف یا تلف ناقص شود یا شخص بمیرد یا به عرض او لطمه وارد آید در این صورت می گویند ضرر به او وارد آمده است، بلکه با عنایت به عرف «عدم نفع» هم در موردی که مقتضی آن تمام و کامل شده باشد ضرر به حساب می آید». (الخونساری، ۱۳۷۳). در کتاب القواعد الفقهیه ضرر را به معنای از دست دادن هر یک از مواهب و نعمت های زندگی اعم از جان، مال، حیثیت یا هر چیز دیگر که انسان خود از آن بهره مند دانسته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ۱: ۷۷). و بعضی از فقهای معاصر عقیده دارند قاعده ی لاضرر دلالت بر اثبات حکم می کند؛ بنابراین، اگر ما لطمات روحی و عاطفی و معنوی را از مصادیق ضرر قلمداد نماییم، با توجه به اصل عقلایی «لزوم جبران ضرر» و «قاعده لا ضرر و لا ضرار» بایستی بر قابل جبران بودن چنین اضراری نیز اذعان نماییم و عامل زیان معنوی را ضامن جبران خسارت بشماریم، در غیر این صورت با مفاد قاعده ی لا ضرر منافات خواهد داشت. (نیک فرجام، ۱۳۹۲). عقلاء عدم پرداخت خسارتهای ناشی از جرم را ظلم می

دانند و ظلم از طرف خداوند قبیح است پس نتیجه می‌گیریم که : حکم به عدم پرداخت خسارت از طرف خداوند قبیح است .

۷- قاعده لا ضرر در انطباق با مسئولیت مدنی

قوانین در مکتب اسلام همانند سایر مکاتب اجتماعی مشتمل بر حقوق سودمند به حال اشخاص است، اما این حقوق در مواجهه با حقوق دیگران ممکن است حالت تراحم پیدا کند. در نتیجه، ضرر و اضرار مطرح شود. «قاعده‌ی لا ضرر» در مکتب اسلام برای جلوگیری از چنین تراحمی است که موجب ضرر به خود یا دیگران است. و تفسیر مشهور از این قاعده این است که این قاعده احکام ضرری را از بین می‌برد. (حسینی سیستانی، ۱۳۸۸). لذا، فقها و اصولیان برای اثبات لا ضرر به قرآن، سنت، اجماع و عقل استناد کرده‌اند. ارتباط این قاعده با بحث مسئولیت مدنی، بر این مبنا است که بتوان از قاعده لا ضرر و لا اضرار، ضمان قهری استفاده کرد. لهذا؛ موجبات ضمان یا مسئولیت قهری سه چیز است: یا ضمان ناشی از فعل شخص است یا از تسبیب و تراحم موجبات. (حسینی نژاد، ۱۳۸۹). لذا ماده‌ی ۳۲۸ قانون مدنی و اصل چهلم قانون و اصل چهلم قانون اساسی می‌تواند تعبیری عام از اصل لا ضرر داشته باشد؛ و بسیاری دیگر از مواد قانون مدنی بر این اصل مبتنی است (همان، ۱۳۸۹، ۱۵۲). به کار بردن ضرر در قضیه سمره بن جندب نیز از همین باب است؛ همین‌طور که ضرر در مورد ضیق به‌کاررفته در مورد ضرر مالی و جانی نیز به‌کاررفته است خداوند فرموده است: «لَنْ يَضُرَّ وَ كَمْ أَلَا اذَى» (آل عمران، ۳، ۱۱۱). کفار نمی‌توانند به شما ضرر بزنند مگر اینکه اذیت بکنند در این آیه ضرر به معنی ضیق و نقص به‌کاررفته است (حسینی سیستانی، ۱۳۸۸).

۷-۱- انطباق عنوان ضرر با خسارت در ضرر معنوی

«ضرر» بر وزن فعال، مصدر باب مفاعله که دلالت بر اعمال طرفین می‌کند. لذا «ضرر» مبین امکان ورود ضرر بر دو جانب است، برخلاف ضرر که همیشه از یک‌طرف علیه طرف دیگر ایجاد می‌شود. (طاهری، بی‌تا: ۲۳۴). ولی بعضی از فقها که ضرر به مشارکت دلالت ندارد (ضرر به تکرار و استمرار دلالت دارد) (حسینی سیستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). نظر به اینکه ما واژه ضرر را به معنای اعم از مادی و معنوی دانسته‌ایم. تمامی این توضیحات در زمینه‌ی معنای عرفی ضرر است. زیرا، اضرار به دیگری از نظر احکام شرعی مسئولیت آور است و زیان‌های وارد باید جبران گردد و برای تعیین موضوع تعدی و تجاوز باید ضابطه‌ی عرفی را هم در نظر گرفت. بنابراین حتی اگر در مواردی از نظر شرع هم حرام نباشد اما عرف مردن آن را تعدی و تجاوز بشمارد ضمان آور است، برخی از فقها در این باره گفته‌اند: چه بسا مبنای ضمان تعدی عرفی باشد اگرچه (ارتکاب آن عمل) از نظر شرعی حرام نباشد. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷). لهذا؛ یکی از علمای معاصر می‌فرمایند: در تمام مواردی که عرف خسارت محسوب می‌شود، خواه معنوی باشد یا مادی، باید جبران گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳). بسیاری از فقیهان «ضرر» را به معنای تعمد و قصد اضرار دانسته‌اند و در مقابل ضرر را به معنایی که اعم از تعمد و قصد است معنی کرده‌اند یعنی ضرر اعم از زانی است که با قصد و عمد تحقق پیدا کند یا بدون قصد و عمد صورت پذیرد. (نراقی، ۱۴۰۸). در نهایت معنایی که امام خمینی از ضرر ارائه می‌نماید که صاحب

قاموس نیز بدان اشاره دارد و آن این است که ضرار به معنای ضیق یعنی افکندن در حرج و سختی است و ضرر در مقابل آن به معنای نقص در اموال و نفس می‌باشد (موسوی خمینی، بی‌تا). مقصود ما در اینجا از ذکر این قاعده آن است که ببینیم آیا می‌توان با این قاعده مسئولیت عامل ورود زیان را در جبران زیان وارده اثبات نمود یا نه؟ (طاهری، بی‌تا). چنان‌که می‌دانیم مفاد قاعده نفی ضرر نهی از آسیب‌رسانی و لزوم جبران زیان‌های وارده به افراد است و با اندک درنگی در قضیه «سمره»، در این جریان، اصولاً ضرر مادی وجود نداشته و یا مورد نظر نبوده است؛ اما و درعین حال پیامبر اسلام، این آزارهای روحی و خسارات معنوی را مصداق قاعده‌ی «لاضرر و ضرار» دانسته و نفی نموده‌اند.

۷-۲- ملازمه‌ی جبران ضرر معنوی با مسئولیت مدنی در فقه اسلامی

در حقوق اسلام معنای مسئولیت حقوقی را باید در کلمه‌ی «ضمان» جستجو کرد. در معنای عام، ضمان یعنی اشتغال ذمه‌ای که به سببی از اسباب شرعی به وجود آمده باشد و نزدیک به معنای تعهد و التزام در حقوق است. بسیاری از فقها ضمان را به‌عنوان چیزی که در نتیجه‌ی یکی از اسباب شرعی در ذمه مستقر شده و باید پرداخته و ادا شود تعریف کرده‌اند. (بادینی، ۱۳۹۲، ۳۰). لہذا، فقه اسلامی از ابتدا مسئولیت آور بودن افعال زیان‌بار غیرمادی را پذیرفته است؛ و فقهای اسلام حکم قضیه را در مورد مختلف با آوردن مثال‌های گوناگون از قبیل گفتن اخبار دروغ به‌طور شوخی یا کشیدن جیغ و داد ناگهانی و رجوع از شهادت ذکر کرده‌اند. البته انتساب ضرر به فاعل آن باید احراز شود و گرنه هیچ تقصیری متوجه مرتکب نمی‌گردد و بدون تقصیر هم در این‌گونه موارد رابطه‌ی سببیتی برقرار نمی‌شود و در نتیجه مسئولیت نیز منتفی خواهد شد. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷)؛ لذا، منطق فقه اسلامی به ما می‌آموزد همان‌طور که ورود ضرر به اموال، مسئولیت آور است، ضرر به کلیه حقوق دیگر انسانی مسئولیت‌زا هست. (داراب پور، ۱۳۹۰، ۹۸). به‌طریق‌اولی باید مصونیت سرمایه‌های باارزش‌تر را شناسایی و تضمین کند و آن را با جبران خسارت وارده، مورد حمایت جدی قرار دهد. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴)؛ گفتنی است ارکان و یا شرایط مسئولیت مدنی در قانون مدنی به‌طور عمده در باب عمده اتلاف و تسبیب مطرح شده و در فقه اغلب با عنوان اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب بررسی شده است. صفیایی، رحیمی، ۱۳۹۰، ۹۹)؛ لذا؛ علامه طباطبایی می‌گوید: هرگونه مقررات جدیدی که در پیش رفت زندگی اجتماعی جامعه مفید باشد و به صلاح اسلام و مسلمین تمام شود، مربوط به اختیارات والی است و هیچ‌گونه ممنوعیتی در وضع و اجرای آن نیست. (دهقان چاچکامی، ۱۳۹۰: ۲۰۲). قاعده‌ای که می‌گوید ضررهای وارده به هر کس (مادی باشد یا معنوی) مسئولیت آور بوده و باید جبران شوند. (اسماعیلی، ۱۳۷۷). بر این مهم تأکید دارد. که کارشناسان امور دینی (فقیهان و مجتهدان زمان‌شناس) با توجه به تحولات جدید، احکام شرعی را بر اساس موازین و اصول یادشده استنباط و به مردم ابلاغ می‌کنند. (مجلسی، بی‌تا). حال چه تمهیدی می‌توان برای نزدیکی آرا اندیشید. از طرفی، منطق فقهی ما که مبنای فتاوی فقها قرار گرفته، تعیین میزانی قطعی برای جبران کلیه خسارات جانی وارده با عنوان دیه یا ارش است. در مقابل، منطق حقوق جدید در نظام‌های حقوقی جدید اروپایی و آمریکایی قرار دارد که

خسارات وارده را به اقتصادی و غیر اقتصادی تقسیم و با لحاظ موقعیت فردی، اجتماعی و کاری و آثار صدمه بر ابعاد مختلف زندگی فرد خسارت را تعیین می نماید. (بابایی، ۱۳۸۹) که در ادامه ی نوشتار به این موضع می پردازیم.

۸ - منفعت اجتماعی

بی تردید نفی ضرر و ضرار، از اموری است که عقل به طور مستقل به آن حکم می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴). قاعده ی عقلی «ضرورت حفظ نظام اجتماعی» از جمله قواعد فقهی -عقلی که فقیهان امامیه به آن توجه داشته و برای حفظ نظام زندگی آدمی است که عقل بر لزوم آن حکم می کند و از گرایش های استثنایی است که تا اندازه ای اطلاق فردگرایی فقه و فقیهان را مقید می سازد. (علیزاده، ۱۳۸۹). سخن پیامبر که «حکم ضرری در اسلام وجود ندارد» دلالت دارد که مصالح و مفساد حسب مورد، باید رعایت شوند، زیرا ضرر، همان مفسده است، وقتی شارع، مفسد را نفی کرد لازمه اش اثبات نفع؛ یعنی همان مصلحت است، زیرا آن دو نقیض هم هستند، واسطه ای میان آن دو وجود ندارد. (حکیم، ۱۹۷۹، ۳۹۰). چراکه؛ مصلحت زمانی مطرح می شود که بپذیریم احکام اسلامی تابع ملاکات اند؛ که مربوط به قلمرو عقل است. لہذا، صدور احکام و تصویب قوانین بر اساس مصلحت است که باید بر اساس درک صحیح عقل باشد؛ (دهقان چاچکامی، ۱۳۹۰). علی رغم این که ما علاوه بر قانون مدنی، قانون اساسی، قواعد حقوقی و دیگر قوانین، قانون مسئولیت مدنی داریم، متأسفانه قضات محاکم به این مساله و حتی به این قانون کم توجه اند و این رویه به دنبال صدور آرای از شورای نگهبان و شورای عالی قضایی در امور حقوقی، از همان سال های اولیه باب شده است. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۳)؛ مع الوصف، این سؤال که آیا نمی توان روشی را به عنوان اصل اولیه در جبران پذیرفت و بقیه ی روش ها را استثناء بر آن تلقی کرد؟ اگر پاسخ آن منفی باشد ما با تشتت و اختلاف وسیع آرای قضایی روبرو خواهیم بود. به نظر می رسد ریشه این آشفتگی و عدم نیل به نتیجه ای مشخص را باید در وجود اعتقادات مبتنی بر منطق و نظام حقوقی متعارض جستجو کرد. بخصوص که در حقوق اسلام، توجه ویژه به حیثیت و آبروی اشخاص شده است و در موارد مربوط به توهین، تحقیر و ایجاد مزاحمت برای اشخاص و مانند آن مجازات پیش بینی شده است. (مدنی، ۱۳۶۶).^۱ حتی به نظر برخی، خسارت ناشی از حوادث طبیعی، یا حوادث ناشی از تروریسم و یا خسارات ناشی از برخی بیماری ها مانند ایدز یا بیماری های ناشی از خون های آلوده می تواند از دارایی چنین صندوق هایی جبران گردد. همان گونه که بر اثر شیوع بیماری ایدز در فرانسه، صندوقی برای جبران خسارت قربانیان این بیماری تأسیس شده است. (یزدانیان، ۱۳۹۲). لذا، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبصره ماده ۵۵۱ می گوید: در تمامی جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست تفاوت دیه تا دیه مرد از محل صندوق جبران خسارت های بدنی پرداخت می شود. لذا، باید به دنبال راهی بود که هم به دغدغه های عدالت جویانه متکی بر منطق جدید حقوقی انطباق بیشتری داشته و هم راهکار عملی کاربردی را تثبیت نماید. مع الوصف،

^۱ کمیسیون استفتاء شورای عالی قضایی سابق در پاسخ سؤالی اظهار داشته بود که «...مطالبه زیان معنوی فاقد مجوز شرعی است». همچنین شورای نگهبان اعلام نموده بود «...تقویم خسارت معنوی و امر مادی مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک و توهینی که به شخص شده به طریق متناسب با آن، در صورت مطالبه ذی حق، لازم است.»

استفتائاتی از فقهای معاصر عظام در خصوص وجاهت پذیرش مالی ضرر و زیان معنوی به عمل آمده که در فرایند تعیین و تبیین استیفای حقوق بزه دیده و اصدار حکم قضایی می‌تواند کارساز واقع گردد.

۹ - استفتاء؛ نظر شارع بر مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی

چنین به نظر می‌رسد که مطابق روایت (صدوق، ۱۳۷۶) ذیل که در کتاب الامالی صدوق (ره) و برخی کتب دیگر نقل شده،^۱ خسارت معنوی مورد پذیرش قرار گرفته است که نظر فقها در این روایت در مورد مفهوم خسارت معنوی و همچنین حکم شرعی مطالبه آن بیان فرماید. در صورتی که لطف نموده و مختصراً به ادله‌ی مورد نظر خویش اشاره فرمایید؛ موجب مزید امتنان خواهد بود.

• مکارم شیرازی

روایت حداکثر عمل امام علی علیه‌السلام را می‌رساند که ممکن است کار مستحبی باشد یا کار واجبی و از ذیل آن که می‌گوید «بازهم چیزی اضافه آمد به آن‌ها دادم تا از تو راضی شوند» استفاده می‌شود امام در اینجا به مستحبات نیز عمل کرده است؛ زیرا جلب رضایت آن‌ها بعد از تمام خسارت‌ها ضرورتی ندارد؛ هرچند کار خوبی است؛ بنابراین از این روایت حداکثر استفاده می‌شود که جبران خسارت معنوی، مستحب است و منظور از خسارت معنوی ضررهایی است که به انسان می‌رسد، بی‌آنکه آثاری در جسم او داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳).

• سبحانی

در این مورد حکم شرعی تعزیر است و بخشیدن چیزی جنبه‌ی اخلاقی دارد و چون ترس عمدی نبوده است، چیزی بر طرف نیست ولی به خاطر جلب آنان مبلغی داده شده است. (سبحانی، ۱۳۹۳).

• موسوی اردبیلی

ضمان خسارت معنوی پیش فقها پذیرفته نیست، ولی به نظر این‌جانب، مسئله محل تأمل است، ضمناً گفته می‌شود: روایت مذکور دلالتی بر ضمان خسارت معنوی ندارد این‌که از ناحیه رسول خدا، یا حضرت امیر المومنین (علیه‌السلام) به کسانی که در حق آن‌ها به نحوی اجحاف شده، به خاطر مصالح عمومی، کمک زیادی شود دلیل ضمان معنوی نیست. (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۳).

• گرامی

خسارت معنوی هرگونه ضرر حاصل از امور غیرمادی هست. مثل ترساندن و دیگری و ایجاد اندوه زیاد که منجر به بیماری و مانند آن شود یا اخبار به امور غیرواقعی که منجر به خسارت شود.

۲. شمول حدیث لا ضرر و لا ضرر این‌گونه امور غیرمادی را، بعید نیست و نیز سایر ادله‌ی اضرار به غیر به‌طور مطلق، حتی اضرار به طریق مسلمین.

^۱ <http://www.noorhadith.ir/hadith/338498>

قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۲۹/۰۲/۱۳۹۵

۳. حدیث معتبری است لیکن دلالت بر وجوب خیلی روشن نیست، مالی زیاد آمد بوده، آیا اگر زیاد نمی‌آمد باز هم لازم بود جبران شود؟! (گرامی، ۱۳۹۳).

• شبیری زنجانی

ظاهراً این روایت آن است که اعطاء حضرت امیر المومنین علیه‌السلام از باب وجوب نبوده است بلکه این کار را برای جلب رضایت کامل ایشان انجام داده‌اند. شاهدش این است که می‌فرمایند «پس از آن که از اموال زیاد آمده بود این بخشش‌ها را انجام دادم» چه بسا اگر چیزی زیاد نیامده بود این عطاء‌ها صورت نمی‌گرفت. (شبیری زنجانی، ۱۳۹۳).

با توجه به پاسخ علمای عظام در مورد ضرر معنوی استفتایی دیگری از یکی از فقهای معاصر عظام در مورد مسکوت ماندن جبران خسارات ضرر و زیان معنوی در فقه و قوانین موضوعه ج.ا.ایران، مبنی در این خصوص که: در بعضی از موارد به چگونگی جبران آن و تقویم آن مسئله مسکوت می‌ماند. فی‌المثل در جریان (پرونده ی هموفیلی‌ها)^۱ خون‌های آلوده^۲ که آلام و درد و رنج را تا آخر عمر بر زیان دیده وارد شده چگونه می‌توان جبران نمود؟! در حال که در کشورهای اروپایی فی‌الجمله (انگلستان) برای جبران خسارت معنوی غرامت در نظر گرفته می‌شود؟ حال اگر در قوانین ما نبود می‌شود از کشورهای دیگر برای استنادات به ضرر و زیان معنوی موید آورد، در صورتی که مخالف شرع نباشد؟

• مکارم شیرازی

در تمام مواردی که عرف خسارت محسوب می‌شود، خواه معنوی باشد یا مادی، باید جبران گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳). مع الوصف، اصل جبران کلیه خسارات در فقه اسلامی، نه مورد انکار مسلم فقها و نه مورد اعتراف قاطبه ی فقهای اسلامی قرار گرفته است. با این حال، باید اعتراف کرد، هر چند که میان فقها در این خصوص که چه چیزی ضرر است و چه چیزی ضرر محسوب نمی‌شود، بحث‌های زیادی در گرفته است، اما قاطبه ی فقها معتقدند که بحث تعیین ضرر و تمییز آن از غیر، یک بحث فقهی نیست و مربوط به عرف می‌باشد. بنابراین، ظاهراً عرفی دانستن مقوله-ی خسارت و واگذاری تمییز خسارت از غیر آن به عرف امری است که مورد قبول تمام فقها می‌باشد.^۳ (سربخش، سلطانی نژاد، ۱۳۹۲).

۱. مشخصات رأی ۳/ ۱۰/ ۱۳۸۳، شماره دادنامه: ۱۲۳۷، خواهان: ۹۷۴ نفر از بیماران هموفیلی یا بازماندگان آنان، خواندگان: ۱. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۲. سازمان انتقال خون؛ ۳. شرکت پژوهش و پالایش خون ایران، مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران. (ر.ک:

توانیر، عباس، بررسی تأثیر تصدی یا حاکمیتی بودن اعمال دولت در تحقق مسئولیت مدنی دولت در پرونده موسوم به هموفیلیها).

۲. ر.ک: یک رای، یک تجربه؛ پرونده هموفیلی‌ها (۵) (حکم به الزام تأمین و پرداخت خسارت مادی و معنوی)، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۵، خرداد و تیر

۱۰- نتیجه گیری

بدین سان ملاحظه می‌شود که عرف؛ مفهوم گسترده‌ای دارد برخی عرف‌هایی که عقل پسند بوده و موجب آرامش نفوس می‌گردد. از سویی دیگر، برخی عرف را به‌طور مستقل معتبر می‌دانند، اما عده‌ای عرف را به مصلحت ارجاع می‌دهند، در حقوق اسلام از عموم قاعده فقهی لاضرر ممنوعیت اضرار به دیگران و نیز لزوم جبران زیان‌های ناروا به روشنی در مورد قتل یا سایر آسیب‌های جسمانی بهترین گواه است که خسارت معنوی قابل جبران است و تقویم آن بر اساس پول مجاز شناخته شده است. بنابراین، قبول این امر که خسارت‌های مالی از دیدگاه شرعی و قانونی قابل جبران؛ ولی خسارت‌های معنوی غیرقابل جبران می‌باشند با روح کلی شریعت و عدالت و انصاف و منطبق حقوقی مغایرت دارد؛ چراکه، فلسفه جعل «قاعده لا ضرر» حراست از سرمایه‌ها و منافع اموال و اعراض انسان‌ها و در نهایت حفظ نظام اجتماعی و اقتصادی بوده است که با رویت آرای فقها و قاعده لاضرر مستفاد می‌گردد علماء به‌طور ضمنی از نظر شرعی مطالبه خسارت معنوی را قبول دارند تنها بحثی که قابل طرح هست نحوه جبران این دو خسارت که همواره یکسان نیستند؛ چراکه در مقام در خصوص خسارت زدایی معنوی همچون ارزشیابی خسارت مادی با توجه به ماهیت متفاوت این نوع خسارت با پیش‌بینی نظام تعرفه سیال که حداقل و حداکثر آن تعیین نشده باشد راه کار قانونی مناسب را برای جبران خسارت بدست می‌دهد که ویژگی‌های سه‌گانه مزبور را دارا است. در حقوق اسلامی دیه در ازای آسیب‌های جسمی و لطمه‌های عاطفی ناشی از دست دادن خویشاوند، تا حدودی می‌تواند نقش چنین تعرفه‌ای را ایفا کند. تعزیرات نیز بنا بر نظریه‌ی امکان تعزیر مالی و سپردن امر تعزیر به حاکم و قاضی، در مواردی از خسارت معنوی مانند لطمه به اعتبار و حیثیت و صدمه به عواطف و احساسات و تألمات روحی، بستری مناسب برای پیش‌بینی یک نظام تعرفه سیال است که حداقل و حداکثر آن مشخص باشد. همچنین بنا به نظریه اختیارات بسیار گسترده ولی امر و حاکم در تأمین مصالح عمومی جامعه، او می‌تواند نظام تعرفه قانونی سیال را با عنایت به مقتضیات زمان و مکان به عنوان روشی در جبران خسارت پیش‌بینی و اعمال آن را برای دستگاه قضایی میسور کند.

القرآن الکریم

منابع فارسی

- اسماعیلی، محسن، ۱۳۷۷، نظریه‌ی خسارت بررسی لزوم جبران خسارت‌های معنوی و مسئولیت ناشی از تفویت منافع و فرصت‌ها از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- آخوندی، محمود، ۱۳۸۸، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشار.
- آشوری، دکتر محمد، ۱۳۷۴، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- بادینی، حسن، ۱۳۹۲، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- باریکلو، علی رضا، ۱۳۸۹، مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
- بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۸۸، حقوق مدنی (۴) مسئولیت مدنی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- پروین، فرهاد، ۱۳۷۹، خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران: انتشارات ققنوس.
- تویسرکانی، شیخ محمد نبی ۱۴۱۳، لئالی الأخبار، جلد ۵، ناشر العلامه، قم.
- حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۸۸، جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی سیستانی، سید علی، ۱۳۸۸، قاعده لاضرر و لاضرار (تقریرات)، تهران، خرسندی.
- حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی، ۱۴۰۶، العناوین، جلد ۱، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۸۹، مسئولیت مدنی، تهران، مجد.
- حسینی، فاطمه السادات و دیگران، ۱۳۹۴، بررسی فقهی و حقوقی جبران ضرر معنوی در قذف، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۱.
- خالقی، علی، ۱۳۹۲، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- داراب پور، مهرباب، ۱۳۷۷، قاعده مقابله با خسارات، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- داراب پور، مهرباب، ۱۳۹۰، مسئولیت‌های خارج از قرارداد پرداخت خسارت استرداد عین، تهران، مجد.
- دهقان چاچکامی، ۱۳۹۰، حمید، جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفری ایران، به کوشش جواد یوسفی ساداتی، قم، بوستان کتاب.
- ره پیک حسن، ۱۳۸۸، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، تهران، خرسندی.
- ریسونی، احمد، ۱۳۷۶، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمدعلی ابهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- ژوردن، پاتریس، ۱۳۹۱، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- سلیمی، عبدالکریم، ۱۳۹۰، حقوق بین الملل اسلامی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- السنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۳۹۰، دوره حقوق تعهدات الوسيط فی شرح القانون المدني، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، ترجمه سید مهدی دادمزنی، محمدحسین دانش کیا، جلد ۲، قم، انتشارات دانشگاه قم.
- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- طاهری، حبیب الله، (بی تا)، حقوق مدنی (۳-۴)، جلد ۲، قم، چاپخانه‌ی دفتر تبلیغات اسلامی.
- عباسی، محمود، ۱۳۸۸، مسئولیت پزشکی، تهران، موسسه حقوق پزشکی انتشارات حقوقی.
- علیزاده، ۱۳۸۹، مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- غمایی، مجید، ۱۳۸۸، قابلیت پیش‌بینی ضرردر مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی، ۱۳۸۷، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۸، دوره‌ی حقوق مدنی الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری) مسئولیت مدنی، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۰، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ایران. قوه قضائیه (۱۳۹۳). مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی). تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۶). حقوق اساسی، جلد چهارم، تهران، انتشارات سروش.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، جلد ۱۰، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۴، قواعد مهم فقهی ترجمه القواعد الفقهیه، مترجم محمدجواد نوری همدانی، جلد ۱، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب.
- مهمان‌نوازن، روح‌الله (۱۳۹۰) خسارات قابل جبران در حقوق ایران، تهران، مجد.
- صادقی، حسین (۱۳۹۳). حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان.
- نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۸). خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، تهران: امیر کبیر.
- نوری همدانی، حسین، ۱۳۷۱، توضیح المسائل، قم، قدس.

وحدتی شبیری، حسن (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، (مطالعه تطبیقی در حقوق و فقه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

منابع عربی

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۹، الکافی فی الفقه ابن حنبل، جلد ۴۰، المصادر الفقهیه.
- انصاری، شیخ مرتضی، ۱۳۶۸، مکاسب، جلد ۲، تحقیق سید محمد کلانتر، قم: نشر دارالکتاب.
- حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی، ۱۴۰۶، العناوین، جلد ۱، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- حکیم، سید محمدتقی حکیم، ۱۹۷۹، الاصول العامه للفقہ المقارن، قم، موسسه آل البيت للطباعه و النشر.
- حلّی، جعفر بن الحسن، المختصر النافع، سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۲۵.
- خوانساری، سید احمد، ۱۳۹۴، جامع المدارک، جلد ۶، تهران، مکتبه الصدوق.
- خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا). مبانی تکمله المنهاجلد ۲، قم.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۷) مهذب الاحکام، بی جا، دفتر آیت الله العظمی سبزواری.
- شیرازی، ابراهیم بن محمد، المهذب، المصادر الفقهیه، ج ۴۰.
- صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، ۱۳۸۵، علل الشرایع، قم: مکتب الداوری.
- صدوق، ابن بابویه جعفر محمد بن علی (۱۳۷۶). امالی، ترجمه محمد باقر کمره ای، جلد ۱، تهران، کتابچی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۶) تفصیل الشریعه، کتاب الدیات، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام).
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، جلد ۲۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- مرغینانی، ابوالحسن، الهدایه، المصادر الفقهیه، جلد ۳۹.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). القواعد الفقهیه، جلد ۱، قم، مدرسه الامام امیر المومنین (ع).
- مکی، جمال الدین، بی تا، القواعد و الفوائد، جلد ۲، قم، مکتبه المفید.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیله، جلد ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- الموسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تهذیب الاصول، جلد ۳، قم، انتشارات دارالفکر.
- موسی بن محمد النجفی، ۱۳۷۳، منیه الطالب فی شرح المکاسب، تقریرات درس محمد حسین النائینی، جلد ۲، تهران، المکتبه المحمديه
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام، جلد ۴۳، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- نراقی، احمد، ۱۴۰۸، عوائد الایام، عاتده چهارم، قم: مکتبه نصرتی.
- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۱۸، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- خلیلی، محمد، (۱۳۹۷)، خسارت تاخیر تادیه، قم، ابتکار دانش،

مقالات

- بابائی، ایرج (۱۳۸۹). جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، دوفصلنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۸، ۱-۳۰.
- کوشش کار، ریحانه؛ قاسمی عهد، (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان، دانش حقوق مدنی، شماره ۱۵، ص. ۴۲-۵۷.
- بادینی، حسن (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۱.
- نیکفرجام، زهره (۱۳۹۲). جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی و حقوقی اسلامی، شماره یازدهم، ۱۰۵-۱۲۷.
- وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۹۰). مبنا و قلمرو خسارت مازاد بر دیه، مطالعات اسلامی، فقه و اصول، سال چهل و سوم، ش. ۱، ص. ۲۴۷-۲۶۸.
- یزدانیان، علی رضا، (۱۳۹۲) مطالعه تطبیقی اندیشه جمعی شدن مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه و ایران و آثار عملی آن بر نحوه جبران، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.
- اژدری، حسن؛ الماسی، نجادعلی و پورعرفان، ایرج، (۱۳۹۸)، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره ۴۳، ۱-۲۵.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۷). فاصله‌ی تلاش‌های علمی و نوآوری‌های غیراصولی، درس‌های از مکتب اسلام، شماره ۶۸۷، ص. ۴۱-۴۸.
- خادم‌سربخش، مهدی؛ سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله (۱۳۹۲). «اصل قابلیت جبران کلیه خسارت» مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، ش. ۱۲، ص. ۲۱-۴۸.

Jurisprudential and Legal Attitudes on Challenging the Concept of Financial Compensation in Judicial Courts

Fatemeh al-Sadat Hosseini, Mahmood Qayyumzadeh & Mohammad Reza Rahbarpour

Abstract

Islam, like any ideological school, is based on a philosophy whose whole structure, from its general existence and attitude to human beings, society and the world beyond, expresses the particular intellectual system of the school's followers. Law, on the other hand, takes a particular look at the detrimental element in human relations when it comes to its existential philosophy, since it is the origin of the undermining of the rights of individuals and society. Therefore, in the end, there is talk in the world of law and law that in the event of loss if the lawmaker does not forge a judgment, it cannot be said to be out of the legal system because the lack of bail, in compensation for the loss of soul, caused harm and harmed the rule. The rational act, however, is that the agent will be liable for damages in general. In this article, we will attempt to apply Lazarar approach to how it can be applied in the face of a legal event to address community problems, in particular the imposition of judicial orders on the publication and calendar of spiritual damages and the removal of intellectual and practical obstruction of reading the teachings of Shari'a. Enhance, act and enforce and then exercise its sovereignty in the judicial process.

Keywords: Damages, Rule of Law, Civil Liability, Social Interest